



تاریخ و فلسفه

روش و نظریه

جلد سوم



ویراستاران: هلن سانیسی وردنبورخ، آملی کورت

ترجمه مرتضی ثاقب فر





«۶۷۸»

تاریخ هخامنشی

جلد سوم

روش و نظریه

مجموعه گزارش‌های پژوهشگاه تاریخ هخامنشی در لندن، ۱۹۸۵

ویراستاران

آملی کورت، هلن سانیسی و ردنبورخ

ترجمه مرتضی ثاقب‌فر

عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ هخامنشی / ویراستاران هلن سانیسی وردنیورخ و آملی کورت؛ مترجم مرتضی ثاقب‌فر.
شابک	: دوره 978-964-315-684-8 ج. ۱؛ 978-964-315-675-6 ج. ۲؛ 978-964-315-676-3 ج. ۳؛ 978-964-315-677-0
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.	
یادداشت	: A chaemenid history. 1991
یادداشت	: کتابنامه.
مندرجات	: ج. ۱. منابع، ساختار و نتیجه‌گیری. - ج. ۲. منابع یونانی. - ج. ۳. روش و نظریه. -
موضوع	: ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸-۳۳۰ ق.م.
شناسه افزوده	: سانیسی - وردنیورخ. هلن، ۱۹۴۴-۲۰۰۰ م.
شناسه افزوده	: Sancisi-weardenburg, Heteen
شناسه افزوده	: کورت، آملی، ۱۹۴۴- م. Kuhrt, Amelie ویراستار.
شناسه افزوده	: ثاقب‌فر، مرتضی، ۱۳۲۱- م. مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۲۱۹DSR ۱۳۱۹۷
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۱۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۸۳۳۹۶



انتشارات توس

تاریخ هخامنشی (جلد سوم)
روش و نظریه

ویراستاران: آملی کورت، هلن سانیسی وردنیورخ

ترجمه مرتضی ثاقب‌فر

چاپ اول: ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: توس (مریم خسروی)

لیتوگرافی: پیچاز

چاپخانه: آزاده

قیمت:
۷۰۰۰ تومان



شابک جلد سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۶۷۷-۰

شابک دوره ۹ جلدی: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۶۸۴-۸

کلیه حقوق چاپ و انتشار این اثر - به هر صورت - محفوظ و مخصوص انتشارات توس است.

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، اول خیابان دانشگاه، پلاک ۱ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷، فکس: ۶۶۹۷۰۶۷۷

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خ دانشگاه بن بست پورجوادی شماره ۱۵ - تلفن: ۶۶۴۹۱۴۴۵-۷

نشانی اینترنتی www.toospub.com پست الکترونیک info@toospub.com

فهرست

کوتاه‌نوشت‌ها ۷



دیباچه ۱۱

آملی کور، هلن سانسسی وردنبورخ



تصویر هخامنشیان در دوره‌ی ناسیونال سوسیالیسم ۱۹

یوزف ویزه‌هوفر



دین کوروش بزرگ ۳۷

مری بویس



مشکلات ناشی از اطلاعات مربوط به هخامنشیان در تورات و... ۶۳

پیتر اکروید



هرودوت و کمبوجیه: ملاحظاتی درباره‌ی یک تحقیق تازه ۹۵

آلن ب. لوید



پادگان‌های هخامنشی در آثار گزنفون و سایر منابع ۱۱۱

کریستوفر توپلین



تاریخ ماد هرودوت و سیر تکامل دولت ماد ۱۱۷

استوارت ج. براون

خاک و آب ۱۴۱

آملی کورت



چیدمان - نسخه بدل - رونوشت - تغییر شکل ۱۵۹

پتر کالمایر



ملاحظات در باره هیروکانیا در دوره هخامنشی: تلفیقی از منابع ۱۸۳

ویلم وُخل سانگ



قوم - طبقه ی حاکم و جمعیت های تابع در شاهنشاهی هخامنشی: ۲۰۳

پی بریریان



استقرار ایران در فریگیه هلسپونتین ۲۵۳

ن. و. سکوندا



آیا اصلاً امپراتوری ماد وجود داشته است؟ ۲۸۵

هلن سانسسی وردنبورخ



کتابنامه ۳۰۹

کوته‌نوشت‌ها

- AAA Annals of Archaeology and Anthropology
 AA Archäologischer Anzeiger
 AAntHung Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae
 ABI. R.F. Harper, *Assyrian and Babylonian letters belonging to the Kouyoujik Collection of the British Museum I-XIV*, London, Chicago, 1892-1914
 AC L'Antiquité Classique
 AIO Archiv für Orientforschung
 AJA American Journal of Archaeology
 AJSL American Journal of Semitic Languages
 AKG Archiv für Kulturgeschichte
 AlmÖAW Almanach der Österr. Akademie der Wissenschaften
 AMI Archäologische Mitteilungen aus Iran
 ANET J.B.Pritchard (ed.), *Ancient Near Eastern Texts*, Oxford-Princeton 1955² (1969³)
 AÖAW Anzeiger der Österr. Akad. der Wissenschaften in Wien. Phil.-Hist. Klasse
 ARAB D.D. Luckenbill, *Ancient Records of Assyria and Babylonia*, Chicago, 1926-7
 Ar.Or Archiv Orientalni
 ASAE Annales du Service des Antiquités d'Égypte
 ASGW Abhandlungen der Sächsischen Gesellschaft der Wissenschaften
 ASNP Annali della Scuola Normale Superiore di Pisa
 BaForsch Baghdader Forschungen
 BAR British Archaeological Reports
 BCH Bulletin de Correspondance Hellénique
 BES Bulletin of the Egyptological Seminar
 BIFAO Bulletin de l'Institut Français d'Archéologie Orientale, Le Caire
 BMus Berliner Museen
 BSFE Bulletin de la Société Française d'Égyptologie
 BSOAS Bulletin of the School of Oriental and African Studies
 CAH Cambridge Ancient History
 CDAFI Cahiers de la Délégation Archéologique Française en Iran
 CE Chronique d'Égypte
 CHI Cambridge History of Iran
 CHJ I Cambridge History of Judaism. Vol. 1: Introduction; The Persian Period, W.D. Davies & L. Finkelstein (eds.), Cambridge 1984
 CI Corpus Inscriptionum Iranicarum
 CRAI Comptes Rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres
 D.A.G.R. Dictionnaire des Antiquités grecques et romaines, réd. Ch. Daremberg & E. Saglio, Paris 1877-1919
 DHA Dialogues d'Histoire Ancienne
 ESHG Etudes Suisses d'Histoire Générale
 EVO Egitto e Vicino Oriente
 FHG C. Müller, *Fragmenta Historicorum Graecorum*, 1841-1870
 FGrH F. Jacoby, *Die Fragmente der Griechischen Historiker*, Berlin/Leiden 1923-1958
 HdA Handbuch der Altertumswissenschaft

- HdO Handbuch der Orientalistik
 HThR Harvard Theological Review
 HZ II M. Boyce, *A History of Zoroastrianism II*, (HdO 1. Abt. 8. Bd. 1.2.2a),
 Leiden-Köln 1982
 IFAO Institut Français d'Archéologie Orientale du Caire
 IrAnt Iranica Antiqua
 JA Journal Asiatique
 JAOS Journal of the American Oriental Society
 JB Jerusalem Bible
 JCS Journal of Cuneiform Studies
 JdI Jahrbuch des deutschen archäologischen Instituts
 JEOL Jaarbericht van het Vooraziatisch-Egyptisch Genootschap Ex Oriente Lux
 JEA Journal of Egyptian Archaeology
 JHS Journal of Hellenic Studies
 JNES Journal of Near East Studies
 JRAS Journal of the Royal Asiatic Society
 JS Journal des Savants
 JSOT Journal for the Study of the Old Testament
 KB Keilschrift Bibliothek
 KZ Zeitschrift für vergleichende Sprachforschung, begründet von Albert Kuhn
 LdÄ Lexikon der Ägyptologie
 MDAIK Mitteilungen des Deutschen Archäologischen Instituts, Abt. Kairo
 MDP Mémoires de la Délégation en Perse
 MVAcG Mitteilungen der Vorderasiatisch-Aegyptischen Gesellschaft
 MIFAO Mémoires de l'Institut Français d'Archéologie Orientale
 Mnem Mnemosyne
 NEB New English Bible
 OCD The Oxford Classical Dictionary, N.G.L.Hammond & H.H.Scullard (eds.),
 Oxford 1970²
 OIP Oriental Institute Publications
 OIP II D.D. Luckenbill, *The annals of Sennacherib*, Chicago, 1924
 OLP Orientalia Lovaniensia Periodica
 OLZ Orientalistische Literaturzeitung
 PF Persepolis Fortification tablets
 PT Persepolis Treasury tablets
 RA Revue d'Assyriologie
 RBi Revue Biblique
 RdE Revue d'Égyptologie
 RE Pauly's Realenzyklopädie der classischen Altertumswissenschaft: bearbeitet
 von G. Wissowa (Stuttgart)
 REA Revue des Etudes Anciennes
 Rev. Arch Revue Archéologique
 REG Revue des Etudes Grecques
 RHR Revue de l'histoire des religions
 RSI Rivista Storica Italiana
 RTP P.Briant, *Rois, Tributs et Paysans*, Paris 1982
 SAK Studien zur Altägyptischen Kultur
 SAWW Sitzungsberichte der Österr.Akad.der Wissenschaften in Wien, Phil.-Hist.Kl
 SBAW Sitzungsberichte der Bayerischen Akad.der Wissenschaften, Phil.-Hist.Ab-
 teilung

SbÖAW	Sitzungsberichte der Österr. Akademie der Wissenschaften
SCO	Studi Classici e Orientali
SPAW	Sitzungsberichte der Preussischen Akademie der Wissenschaften
StIr	Studia Iranica
TPhS	Transactions of the Philological Society
TUAT	Texte aus der Umwelt des Alten Testaments
VAB	Vorderasiatische Bibliothek
ZÄS	Zeitschrift für ägyptische Sprache und Altertumskunde
ZAW	Zeitschrift für die Alttestamentliche Wissenschaft
ZKM	Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes

دیباچه

هرین اشمیت در ۱۹۷۶ [۱۳۵۵ خورشیدی] مقاله‌ای نوشت و در آن نه تنها به دفاع پر شور از پژوهش‌های روش‌های پیچیده‌تر زبان‌شناسی تاریخی ایران پرداخت، بلکه برای وابستگی متقابل روش و نظریه نیز ارج فراوان قائل شد: «روش... تنها ابزاری برای نظریه نیست. یک نظریه بدون روش دقیق، البته ممکن است نتایج جالبی به بار آورد... اما روش بدون نظریه مانند کاسه‌ای بدون آش و یا نقابی است که در پس آن چهره‌ای وجود ندارد» (۶۴). این دیدگاه، تضاد مستقیمی دارد با نظر ریچارد فرای که در ۱۹۷۴ در مقاله «روش‌شناسی در تاریخ ایران» می‌نویسد: «به گمان من در صورتی می‌توانیم بدانیم چرا و چگونه واقعه‌ای در گذشته رخ داده است، که قادر باشیم همه، آری همه‌ی داده‌های مربوط به آن واقعه را گرد آوریم» (۶۸). این دیدگاه‌های کاملاً متضاد از سوی دو دانشمندی که هر دو در یک زمینه (یعنی زبان‌شناسی و تاریخ ایران) کار می‌کنند، انگیزه‌ای شد برای انتخاب موضوع پنجمین پژوهشگاه تاریخ هخامنشی یعنی: «مشکلات روش و نظریه در بررسی شاهنشاهی ایران». منتهی نویسندگان این دیباچه شایسته می‌دانند در همین آغاز بگویند که اعتقاد دارند طرح‌ریزی و اجرای روش و نظریه باید آگاهانه انجام پذیرد. در عین حال باید تأکید کنیم، این سخن بدان معنا نیست که اگر در مقالاتی آشکارا از روش سخنی گفته نشده است، باید ماشین‌وار نتیجه‌گیری‌های آن‌ها را بی‌سود پنداشت. سه عامل باعث شده‌اند بیندیشیم که بحث

مستقیم و آشکار درباره‌ی این موضوع می‌تواند سود بیشتری برای مطالعات هخامنشی داشته باشد. اولین و شاید مهم‌ترین عامل ایجاد اندیشه‌ی نیرومند برای هواداران استفاده‌ی دقیق از روش‌های تدوین شده‌ی روشن در بحث درباره‌ی دیدگاه خود با کسانی است که «وجود هرگونه روشی را برای مورخان منکرند و ادعا می‌کنند فقط عقل سلیم می‌تواند بهترین راهنما برای تفسیر گذشته باشد» (فرای ۱۹۷۴، ص ۵۷) دلیل دوم، کمبود منابع در مورد شاهنشاهی است که بدان معناست که بیشتر سنگینی بار تفسیر جدید بر دوش کار در عرصه‌ی نظری است. هرچه داده‌ها کمتر باشد، آگاهی به مشکلات و به دام‌هایی که تحلیل‌های گوناگون سر راه ما قرار می‌دهند، اهمیت بیشتری می‌یابد (نک، سانیسی وردنبورخ ۱۹۸۷، ص ۳۴ به بعد). با این حال عامل سوم، وجود منابع مغایر یا متفاوت با یکدیگر است که ناگزیر این پرسش را پیش می‌آورند که چگونه باید یا چگونه می‌توانیم به منظور نتیجه‌گیری یا ایجاد یک هم‌نهاد آن‌ها را باهم تلفیق کنیم. چگونه می‌توان مدارک مربوط به یک ناحیه از امپراتوری را که به‌طور سنتی در چارچوب یک رشته‌ی دانشگاهی ویژه بررسی شده‌اند (مثلاً مصرشناسی، آشورشناسی) به داده‌هایی قابل استفاده در رشته‌ای دیگر تبدیل کرد؟ در مورد نوع مشکلاتی که ممکن است از طریق این فرض پیش آید که یک نوع منبع (مثلاً تاریخ‌نگاری یونانی) جریان رویدادها را به گونه‌ای «حقیقی» می‌نماید و بنابراین نوع کاملاً متفاوتی از اسناد (مثلاً بابلی) را می‌توان برای تصحیح آن‌ها به کار گرفت، (بنگرید به کورت و شروین وایت ۱۹۸۷).

از آن‌جا که بیشتر محققانی که در رشته‌های گوناگون پژوهش‌های باستانی کار می‌کنند به ناچار اطلاع ندارند که چگونه و تا چه اندازه تحولات نظری و روش‌شناختی در رشته‌های دیگر می‌تواند بر کار آنان اثر بگذارد، در چارچوب کار پژوهشگاه ما بیهوده به نظر می‌رسید، که بکوشیم فقط از همکاری‌های نظری مجرد و ناب بهره بگیریم؛ و از این‌رو رویکرد سودمندتر آن بود که از شرکت‌کنندگان بخواهیم «موردشناسی‌هایی» [Case-Studies] را ارائه دهند که در آن‌ها از رویکردهای روش‌شناختی آشکار و روشنی استفاده شده است. ویراستاران به منظور کسب درک آگاهانه‌تری از روش و نظریه، پیشنهادهای اولیه‌ای را مطرح کردند تا راهنمایی باشند

جهت شناخت نوع مشکلاتی که مقالات منفرد با آن‌ها سروکار خواهند داشت. یکی از موضوع‌های مطرح شده از لحاظ نیاز به درک و توجهی خاص که بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان با آن سروکار می‌یافتند، چنان که قبلاً نیز گفتیم مسأله نیاز به استفاده از انواع گوناگون منابع بود که لزوماً باهم سازگار نبودند. البته هر منبع، ارزش‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارد. با این حال اغلب مرسوم بوده است که به ارزش ظاهری منابع توجه می‌شده و هدف، بافت، شکل و خاصیتگاه آن‌ها مورد غفلت قرار می‌گرفته است، حال آن‌که همه‌ی این‌ها عواملی هستند که هم بر محتوا و هم بر قابل اطمینان بودن آن‌ها اثر می‌گذارد. اگر بخواهیم در بررسی بسیار موشکافانه‌ی خود از آن بخش‌هایی از عهد عتیق یعنی Apocrypha | ملحقات کتاب مقدس | و یوزفوس که تا اندازه‌ای به دوره‌ی امپراتوری ایران مربوط می‌شود، دقیقاً به همین مسأله پرداخته است. یکی از مشکلات، آن است که درباره‌ی هیچ‌یک از آن‌ها رسیدن به نتایجی استوار آسان نیست، چون منابع دیگری وجود ندارند تا کمک کنند معیاری برای تعیین این‌که دقیقاً چه چیزی در داده‌های کتاب مقدس اهمیت دارد، داشته باشیم. پس محقق ناچار است پیوسته برای کشف حقیقت به خود همان متون رجوع کند و حدس و گمان زدن را درباره‌ی این‌که کارکرد یا ساختار آن‌ها قبلاً توسط علمای روحانی یا کتاب مقدس‌شناسان کاملاً روشن شده است، کنار بگذارد و این "هشدار" مهم است به مورخان شاهنشاهی ایران. مری بویس در بررسی مسأله بفرنج و بحث‌برانگیز اعتقادات مذهبی کوروش بزرگ، قاطعانه اظهارنظر می‌کند و می‌گوید محققان در دام جزم‌های خودشان گرفتار شده‌اند و به آسانی خواسته‌اند واقعیت را تابع نظریه سازند. او سه مشکل را به عنوان علل این امر شناسایی می‌کند. که هر یک نتیجه‌ی مستقیم مشکلات ایجاد شده توسط منابع گوناگونی هستند که به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یکی تفرقه‌ی دانشگاهی میان پژوهندگان اوستا از سویی و پژوهندگان متون پهلوی از سوی دیگر است؛ دیگری فقدان توجه به این نکته است که چگونه ممکن است اعمال مذهبی توسط پارسایان و مؤمنان و آیین‌ها و شعایی که بخش مهمی از دین زرتشت را می‌سازند بدون تغییر حفظ شده باشد؛ و مشکل آخر که شاید در حال حاضر حل‌ناشدنی‌ترین آن‌ها باشد، گستردگی عظیم

تقویمی و فرهنگی مطالعات زرتشتی از یک سو و از سوی دیگر شمار بسیار اندک کسانی است که منحصرأ و فعالانه به مطالعه‌ی این موضوع بپردازند. مشکل سنجش‌پذیر بودن منابع نکته‌ای است که براون مستقیماً با آن درگیر می‌شود و به عنوان نمونه، موضوع مبهم ماده‌های پیش از هخامنشیان را مورد بررسی قرار می‌دهد. چگونه می‌توان کتیبه‌های سلطنتی آشوری را با نوشته‌های هرودوت، که از لحاظ اطلاعاتی با آن‌ها مغایرت دارند، باهم سازش داد و به نتیجه‌گیری پرداخت؟ نتیجه‌گیری براون آن است که ماده‌های منابع آشوری همان‌هایی نیستند که در تاریخ هرودوت آشکارا به عنوان *Médikos logos* [داستان ماد] بیان می‌شود؛ داستان هرودوت مربوط به گروه متفاوتی است که در خارج از قلمرو امپراتوری آشور قرار دارند و هرودوت به قول خودش کوشیده تا درست‌ترین روایت از چگونگی تشکیل دولت ماد را از میان روایات شفاهی موجود که ایرانیان برایش نقل کرده‌اند، برگزیند و برای ما حفظ کند. آملی کورت در مقاله‌ی خود به ارزیابی رسم مشهور شاهان ایران در تقاضای خاک و آب [به نشانه‌ی اعلام اطاعت حریف] می‌پردازد که در کتاب هرودوت و آثار بعدی منقول از او با شتاب به آن اشاره‌ای کرده و گذشته‌اند. به نظر او اگر، چنان‌که معمولاً انگاشته شده، دادن خاک و آب نشانه اطاعت از قدرت ایران بوده است، توضیح رویدادهای بعدی در منازعات ایران و یونان دشوار به نظر می‌رسد، مگر آن‌که فرض کنیم تاریخ‌نویسان یونانی کمابیش عمداً پدیده‌ای به این روشنی را کتمان کرده باشند. تلفیق یافته‌های پخاموش باستان‌شناختی با منابع مکتوب غیرمستقیم مشکلی است که وُخل سانگ کوشیده در بررسی خود درباره‌ی هیرکانیای [گرگان] ایران کهن روشن سازد. در حال حاضر نه گره مشهور فهرست نظامی هرودوت و نه معمای ایضاً مشهور شناسایی بعضی هیأت‌های نمایندگی که تصویرشان بر نقش برجسته‌های تخت جمشید دیده می‌شود، هیچ‌یک قاطعانه حل نشده است. بافت، شکل و هدف نقش برجسته‌های تخت جمشید و پیرامون آن موضوعی است که کالمایر بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که اگر کارکرد آن‌ها نمایاندن جنبه‌های ابدی در نهاد پادشاهی ایران بوده است پس جابه‌جایی موقتی و تغییر آن‌ها را نمی‌توان توضیح داد. تفسیر او از روایات گوناگون مربوط به یک متن یا

یک برجسته کاری مؤید نتایجی است که سانسیمی وردنبورخ (۱۹۸۰، ص ۲۸ به بعد) در بررسی "کتیبه‌ی ضد دیو" به آن رسیده بود. توپلین درباره پادگان‌هایی بحث می‌کند که در دو کتاب کوروشنامه و اقتصاد گزنفون به آن‌ها اشاره شده و مورخان شاهنشاهی ایران هیچ‌یک از این دو متن را چندان روشنگر ندانسته‌اند. مؤلف می‌کوشد گفته‌های گزنفون درباره‌ی پادگان‌ها را با مدارک باستان‌شناختی و اسناد مکتوب مربوط به جاهای دیگر امپراتوری مقایسه کند و نتیجه می‌گیرد که تشریح گزنفون از سیستم نظامی ایران، اجازته‌ی هیچ‌گونه "برداشت کاملاً منطقی" را به ما نمی‌دهد.

دومین مسأله‌ای که توجه به آن از شرکت‌کنندگان خواسته شد، این بود که چگونه تأثیر یا عدم تأثیر منابع محلی و منطقه‌ای بر کل امپراتوری ایران را می‌توان ارزیابی کرد. نتیجه‌ی منطقی چنین بازنگری و ارزیابی مجدد، قاعداً باید طرح‌ریزی و تدوین مجدد پرسش‌هایی باشد که در این مسیر پیش می‌آیند. سکوندا به مطالعه‌ی دقیق مدارک مربوط به استقرار و اسکان ایرانیان در فریگیه هلنی پرداخته تا الگوی تسلط ایران در آن ناحیه را روشن سازد. او با استفاده از مدارک باستان‌شناختی، ادبی و کتیبه‌ای نشان می‌دهد که این تصویر که همه‌ی ایرانیانی که در سرزمین‌های مفتوحه زندگی می‌کرده‌اند، همیشه لزوماً وابسته به دربار شهرب بوده و در آن‌جا می‌زیسته‌اند، نادرست است. مجموعه‌ی دقیق و موşkافانه‌ای که او از داده‌های پراکنده گرد آورده است نشان می‌دهد که با چنین روشی تا چه اندازه می‌توان روشن‌بینی فراوانی نسبت به کارکرد رده‌های پایین‌تر شاهنشاهی به دست آورد. پی‌یر بریان به ارزیابی مجدد بنیادی و تمام عیار منابع مربوط به مصر در دوره سلطه ایران پرداخته است و نشان می‌دهد که پاسخ‌های گروه‌های ذی‌نفع متفاوت در مورد واقعیت حکومت هخامنشیان تا چه اندازه متفاوت و حتی مغایر بوده و ارزش و اعتبار آن‌ها چقدر متفاوت است. این نتیجه‌گیری پیامدهایی برای درک ما از کارکرد کلی شاهنشاهی دارد، زیرا او با کامیابی توانسته گروه‌های گوناگونی را شناسایی و تفکیک کند که گاه کار نارضایتی‌شان به طغیان می‌انجامد و همه تاکنون این عصیان‌ها را، به نادرستی بازتاب احساسات و وطن‌پرستانه تعبیر کرده‌اند.

موضوعی که در همه‌ی کارگاه‌های پژوهشی پیشین و مجلدات قبلی این کتاب به‌ویژه

در سال ۱۹۸۴ (نک، مجلد دوم، منابع یونانی، لیدن ۱۹۸۷)، همواره مطرح بود و در واقع کانون اصلی بحث‌ها را تشکیل می‌داد، یعنی یونان‌مداری در تقابل و سنجش با دیدگاه ایرانی، اکنون در این مجلد نیز، که جلساتش در ۱۹۸۵ برگزار شد، همچنان مطرح است. به روشنی پیداست که جانبداری و پیش‌داوری و یکسونگری یونانی فقط به منابع یونانی باستانی محدود نمانده است، بلکه برداشت‌های یونانی نسبت به همسایگان شرقی خود ناخودآگاه [و گاه آگاهانه، نک. مقاله‌ی اول همین مجلد نوشته یوزف ویزه‌هوفر] بر پژوهش‌های امروزی دریاره‌ی شاهنشاهی هخامنشی نیز تأثیر گذاشته است. در این فرایند، یونان‌مداری به اروپامداری تبدیل شده است. شکل افراطی این پدیده، دیدگاه قوم‌مداری است که به خوبی در بررسی ویزه‌هوفر دریاره‌ی برداشت‌ها و طرح‌ریزی‌ها و قالب‌سازی‌های آلمان نازی دریاره‌ی شاهنشاهی ایران به اثبات رسیده است و نشان می‌دهد که این برداشت چگونه الگویی برای توجیه توسعه‌طلبی آلمان فراهم ساخت (نک، هیتلر، نردمن، صص ۷۲۶-۵۸). آن لوید با تحلیل ماجرای تصرف مصر به دست کمبوجیه و مقایسه‌ی آن با منابع اولیه و به‌ویژه نوشته‌های هرودوت، دریاره‌ی قدرت روایت یونانی و قراردادهای ادبی و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری و بنابراین تحریف وقایع تاریخی به بحث می‌پردازد.

آخرین اظهارنظر ما در این باره است که کاستی‌های عمده‌ی نتیجه‌گیری‌های کنونی دریاره‌ی شاهنشاهی هخامنشی مسلماً معلول فقدان الگوهای نظری آگاهانه است و سانسیمی وردنبورخ برای بررسی این موضوع، عمداً موضعی افراطی را برای بررسی مسأله‌ی مهم به اصطلاح "امپراتوری ماد" انتخاب کرده است. او با تأکید بر فقدان مدارک، یک الگوی مردم‌شناختی [آنتروپولوژیک] از یک "دولت آغازین" درحال شکل‌گیری را معرفی می‌کند و با این کار حتی استخوان‌بندی اصلی "داستان ماد" هرودوت را سست می‌گرداند (موضعی مخالف مقاله براون) و به این نتیجه می‌رسد که مادها در دوره‌ی پیش از هخامنشیان، حداکثر دولتی به‌صورت جنبینی بوده‌اند که از اتحاد ناپایدار تیره‌ها یا قبایل ایجاد شده بودند. این‌گونه ارزیابی، تأثیرات جنبی دامنه‌داری درمورد تاریخ آغازین شاهنشاهی هخامنشی دارد که غالباً فرض شده است دولت و سازمان اداری آن را مستقیماً از مادها به ارث برده بوده است. اگر

نتیجه‌گیری او درست باشد، آنگاه باید آغاز تحول دولت در ایران و تبدیل آن به یک امپراتوری را به پس از فتح بابل و لیدی نسبت داد. (نک، گزنفون، کوروشنامه، VII، ۵، ۳۷).
 گرچه به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت که حتی دو روز بحث‌های فشرده برای یافتن و اجرای روش‌هایی یکدست در مورد تاریخ هخامنشی به جایی نرسید و توافقی عمومی حاصل نشد، و قرار بر این شد که هرکس بکوشد رویکردهای خاص خود را به درستی تعریف کند تا کمکی باشد برای روشن شدن مسائل منفرد. در مورد Methodenstreit یا "کشمکش بر سر روش" که در آغاز این دییاجه دو نقل قول در این باره را آوردیم، باید گفت که هر دو رویکرد را می‌توان دارای نتایجی سودمند دانست که چشم‌اندازهای نویی برای پژوهش‌های آینده می‌گشایند؛ بنابراین امید می‌رود که این مجلد با ارائه‌ی نمونه‌هایی از راهبردهای پژوهشی ممکن، گامی باشد در ادامه‌ی این میحث بنیادی.

با حق‌شناسی، سپاسگزار کمک مالی فرهنگستان بریتانیا و حمایت بخش تاریخ یونیورسیتی کالج لندن هستیم. همچنین مایلیم از این فرصت استفاده کنیم و سپاس‌های خود را از پروفیسور ج. ب. تراپ و کارکنان مؤسسه‌ی واربوری که بزرگوارانه ساختمان‌های خود را در اختیار پژوهشگاه فرار دادند، ابراز داریم و نیز از یاری‌های عملی افراد زیر در سراسر جلسات و تدارکات قبلی ایشان سپاسگزاریم: کتی ادواردز، سارا اولیور، نیکول دوک، مارگارت آلیفنت، کارولین گودال، پائولا میچل، الیزابت مگز و سرانجام سوزان شروین وایت. و بالاخره قدردان زحمات فرگس میلار (آکسفورد)، سالی همفریز (آن آربور، میشیگان) و جان نورث (یونیورسیتی کالج لندن) هستیم که هریک بر کرسی ریاست نشستند و طی نشست‌های طولانی پژوهشگاه، بحث‌ها را به خوبی اداره کردند.

آملی کورت

هلن سانسبی وردنبورخ